



دوماهنامه علمی - پژوهشی

د ۹، ش ۶ (پیاپی ۴۸)، بهمن و اسفند ۱۳۹۷، صص ۱۸۷-۲۱۲

## بررسی ویژگی‌های زبانی زنان با توجه به متغیر سن بر اساس رویکرد لیکاف

ژینو ابراهیمی<sup>۱</sup>، کورش صابری<sup>۲\*</sup>، شهاب مرادخانی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۳. استادیار آموزش زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

پذیرش: ۹۶/۱۰/۱۰

دریافت: ۹۶/۹/۱

### چکیده

پژوهش حاضر به بررسی گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی، بر اساس رویکرد تسلط لیکاف (1975) پرداخته است. هدف از این پژوهش بررسی، توصیف و دسته‌بندی ویژگی‌های خاص گفتار زنان مورد مطالعه و نیز بررسی تأثیر متغیر سن بر بسامد استفاده از ویژگی‌های زبانی مذکور است. داده‌های پژوهش حاضر به روش میدانی با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه از میان ۹۰ زن فارسی‌زبان کرمانشاهی در سه رده سنی مختلف، متعلق به طبقه متوسط شهری و دارای سطح تحصیلات دیپلم و پایین‌تر گردآوری شد. نگارندگان در روند پژوهش به چند ویژگی زبانی جدید افزون بر ویژگی‌های زبانی رویکرد لیکاف دست یافتند که عبارت‌اند از: «گفتار و لحن کودکان»، «کشش اصوات»، «زبان نمایشی»، «زبان دوری‌گزین» و «جاندارانگاری». یافته‌های پژوهش به شیوه کمی با استفاده از آزمون مربع خی و نیز شیوه کیفی با گریزی بر دانش روان‌شناسی (نظریه سازوکار دفاعی فروید) تحلیل و تبیین شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیر سن تفاوت معناداری در بسامد استفاده از این ویژگی‌ها ایجاد کرده است. به غیر از دو ویژگی «آهنگ خیزان در جملات خبری» و «سؤالات ضمیمه»، تمامی ویژگی‌های رویکرد لیکاف و ویژگی‌های کشف‌شده از سوی نگارندگان با بسامدهای مختلف در گفتار زنان مورد مطالعه موجودند و قابلیت تعمیم به جامعه بزرگ‌تر و مشابه با جامعه مورد مطالعه در این پژوهش را دارند.

**واژه‌های کلیدی:** رویکرد تسلط لیکاف، زبان و جنسیت، فارسی کرمانشاهی، نظریه سازوکار دفاعی فروید.

## ۱. مقدمه

تنوع زبانی بر پایهٔ متغیرهای اجتماعی مانند سن، میزان تحصیلات، فرهنگ و جنسیت از اصلی‌ترین موضوعات پژوهش در جامعه‌شناسی زبان است. در این پژوهش زبان به‌عنوان جایگاهی برای تجلی نگرش‌ها و بن‌مایه‌های روانی - که بر تفکر و رفتار زبانی تأثیرگذار است - در نظر گرفته می‌شود و با وارد کردن متغیر سن به‌عنوان متغیر اصلی و جنسیت، تحصیلات و طبقهٔ اجتماعی به‌عنوان متغیرهای فرعی بحث و بررسی می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، بررسی، کشف، توصیف و دسته‌بندی ویژگی‌های خاص زبانی گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی، مطابقت دسته‌بندی حاصل از این بررسی با رویکرد لیکاف<sup>۱</sup> و همچنین بررسی تأثیر متغیر سن بر بسامد استفاده از ویژگی‌های زبانی مذکور است. پژوهش‌های بسیاری رویکرد لیکاف را به چالش کشیده‌اند؛ اما تاکنون هیچ‌یک نظریهٔ لیکاف را بسط نداده و موردی به مؤلفه‌های وی نیفزوده‌اند. پژوهش حاضر به این مسئله پرداخته است. نگارندگان در روند پژوهش، ویژگی‌های جدیدی را از گفتار زنان افزون بر ویژگی‌های رویکرد تسلط<sup>۲</sup> لیکاف، کشف و استخراج و تلاش کرده‌اند تا بر پایهٔ دانش روان‌شناسی و نظریهٔ سازوکارهای دفاعی<sup>۳</sup> فروید<sup>۴</sup> (1901) بسیاری از ویژگی‌های موجود در گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی را مورد تبیین قرار دهند. این پژوهش فهرستی ترکیبی از ویژگی‌های زبانی رویکرد لیکاف به‌علاوهٔ ویژگی‌های اکتشافی نگارندگان در گفتار زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی ارائه می‌دهد. داده‌های پژوهش حاضر به شیوهٔ نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند با استفاده از پرسش‌نامه و مصاحبه از سه نسل مختلف زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی گردآوری شده است. پژوهشگران ویژگی‌های زبانی مختص به زبان زنان مورد مطالعه در این پژوهش را از داده‌های گردآوری‌شده استخراج و فراوانی آن‌ها را در گفتار زنان بررسی کرده‌اند. تمامی متغیرها (جنس، تحصیلات و طبقهٔ اجتماعی) به غیر از سن کنترل شده‌اند. جدول ۱ تمامی متغیرهای پژوهش و افراد مورد مطالعه را ارائه می‌دهد:

جدول ۱: متغیرهای اجتماعی و تعداد افراد مورد بررسی

Table 1: Social variables and the number of individuals examined

جنس	سن	تحصیلات	طبقهٔ اجتماعی
زن	۳ گروه سنی (۱۳ - ۱۹ سال) (۲۵ - ۴۵ سال) (۵۰ سال به بالا)	دیپلم و پایین‌تر	متوسط شهری

پیکره صوتی پژوهش حاضر ۴۵ ساعت، معادل با ۲۷۰۰ دقیقه است. مصاحبه به صورت گروهی در گروه‌های کوچک سه الی پنج نفره صورت گرفت. برای رعایت اصول اخلاقی پژوهش با کسب اجازه قبلی از مصاحبه‌شوندگان روند مصاحبه ضبط شد. برای اطمینان از پایایی داده‌های استخراج‌شده، از شیوه پایایی بین دو محقق<sup>۵</sup> استفاده شده است. این پژوهش از تحلیل محتوا برای استخراج ویژگی‌های زبانی استفاده کرده و با استفاده از روش کمی مربع خی به بررسی معناداری تفاوت بین بسامدهای ارائه‌شده پرداخته است. نگارندگان در این پژوهش برآند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند:

۱. ویژگی‌های زبانی زنان فارسی‌زبان کرمانشاهی چیست و تا چه اندازه با نظریه لیکاف همخوانی دارد؟
۲. با توجه به ویژگی‌های زبانی مطرح‌شده از سوی لیکاف آیا از لحاظ بسامد استفاده از این ویژگی‌ها، تفاوت معناداری بین سه گروه سنی نوجوان، اوایل بزرگسالی و اواخر بزرگسالی وجود دارد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهشگران حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی تلاش کرده‌اند تا نظریه لیکاف را به محک آزمایش بگذارند که در اینجا به چند مورد از آن اشاره می‌کنیم. یعقوبی (۱۳۸۷) در پایان‌نامه خود تأثیر جنسیت بر روش بیان تقاضا را بررسی کرد. وی به این نتیجه رسید که زنان از زبانی بسیار مؤدبانه‌تر نسبت به مردان استفاده می‌کنند و صورت‌های درخواست غیرمستقیم را بر صورت‌های دستوری آشکار ترجیح می‌دهند. کردزعفرانلو و مؤمنی (۲۰۱۰) رابطه زبان و قدرت را ارزیابی کردند. آنان در مقاله خود وجود برخی از مؤلفه‌ها را نشان‌دهنده عدم قاطعیت و قدرت دانسته‌اند که نتایج تحقیق تا حدودی فرضیه آن‌ها را تأیید می‌کند. کریم خاتلویی و همکاران (۱۳۹۱) رابطه بین جنسیت و قطع گفتار را بر اساس سه ویژگی مؤثر بر قطع گفتار (اظهارنظرهای مستقیم، انحراف از موضوع و همچنین قیدها و فعل‌های تردیدآمیز)، محیط‌های مختلط و همجنس بررسی کردند. نتایج نشان داد که زنان و مردان در محیط‌های گوناگون، رفتار متفاوتی از خود نشان می‌دهند. بنابراین، نظریه تسلط را در جامعه مورد مطالعه رد کردند. محمودی بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲) نیز نظریه لیکاف را در شش رمان فارسی از نویسندگان هر دو جنس زن و مرد

به چالش کشیدند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده دقیق از رنگ‌واژه‌ها و اجتناب از دش‌واژه‌ها، از ویژگی‌های بارز زبان زنان نویسنده است. حاتمی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود قاطعیت گفتار زنان و مردان کردزبان را بررسی کرد. یافته‌های پژوهش وی نشان می‌دهد که در جامعه کردزبان شهرستان اسلام‌آباد غرب، متغیر سن و تحصیلات در رابطه مستقیم با عدم قاطعیت در زبان است و به‌طور کلی، زبان زنان نسبت به زبان مردان قاطعیت کمتری دارد. اریکسون<sup>۱</sup> و همکاران (1978) مکالمات محیط دادگاه‌ها را بررسی کردند. آنان داده‌هایشان را از میان شهود - به‌عنوان افرادی فاقد قدرت - و وکلا و قضات - به‌عنوان افراد قدرتمند - گردآوری کردند. نتایج نشان می‌دهد که افراد با جایگاه اجتماعی فرودست سبک گفتاری ضعیف‌تری را نسبت به آنانی که دارای جایگاه اجتماعی بالاتر بودند، به‌کار می‌برند. طی پژوهشی بریمن<sup>۲</sup> و ویلکوکس<sup>۳</sup> (1980) به بررسی رابطه فرهنگ و زبان پرداختند. آنان به این نتیجه دست یافتند که زنان در گفتار خود طبق نظر لیکاف از مواردی همچون صفات تشدیدکننده و پرسش‌های کوتاه‌ضمیمه بیشتر استفاده می‌کنند. آنان دش‌واژه‌ها و کلمات تابو را چندان در گفتار زنان مشاهده نکردند. ایت<sup>۴</sup> (2003) تأثیر وضعیت اجتماعی را به‌عنوان متغیر اصلی بر روی زبان و جنسیت بررسی کرد. وی بدین منظور به بررسی مکالمات چند همکار با وضعیت اجتماعی یکسان پرداخت. نتایج نشان دادند، قدرت در گفتار زنان و مردان متوازن است و آنچه لیکاف از آن به‌عنوان نشانگرهای عدم قدرت و قاطعیت نام می‌برد تنها تفاوت در گفتار این دو جنس است. لونگوباردی<sup>۵</sup> و همکاران (2016) در مقاله «تفاوت‌های جنسیتی در رابطه بین زبان و توانش اجتماعی در کودکان پیش‌دبستانی» به بررسی توانش اجتماعی در میان ۲۶۸ کودک در رده سنی (۱۸ - ۳۵ ماه) پرداختند. آنان پس از بررسی داده‌ها بدین نتیجه دست یافتند که زبان پسر بچه‌ها نسبت به زبان دختر بچه‌ها بیشتر با توانش اجتماعی در ارتباط است. وجه مشترک این پژوهش با پژوهش‌های پیشین مانند پژوهش عاملی یعقوبی (۱۳۸۷)، کردزعفرانلو و مؤمنی (2010)، محمودی‌بختیاری و دهقانی (۱۳۹۲)، حاتمی (۱۳۹۵)، اریکسون، جانسون<sup>۶</sup> و ابار<sup>۷</sup> (1978) و بریمن و ویلکوکس (1980) توافق در صحت نظریه تسلط لیکاف (1975) است؛ اما به‌طور کلی، تمایز این پژوهش با تحقیقات مذکور در این است که خود را صرفاً به ارائه گزارشی بر رد و صحت رویکرد لیکاف محدود نکرده است؛ بلکه پیش‌تر رفته و در پی تبیین رویکرد لیکاف بر پایه دانش روان‌شناسی و همچنین جست‌وجو برای دست یافتن به ویژگی‌های زبانی تازه‌ای علاوه به موارد بیان‌شده در رویکرد تسلط لیکاف

بوده است که عبارت‌اند از: «گفتار و لحن کودکان»، «زبان نمایشی»، «زبان دوری‌گزین»، «کشش اصوات» و «جاندارانگاری».

### ۳. مبانی نظری

#### ۳-۱. نظریه تسلط لیکاف

رویکرد تسلط رویکردی است که پس از انتشار مقاله بحث‌برانگیز لیکاف «زبان و جایگاه زن»<sup>۱۳</sup> مطرح شد و انجام پژوهش‌هایی بسیار جدی را در زمینه زبان و جنسیت بنا نهاد. بر اساس این رویکرد، لیکاف (۱۹۷۵) زبان مردان را زبانی بی‌نشان و در مقابل، زبان زنان را زبانی نشاندار و تابع قلمداد می‌کند. وی بنا بر ویژگی‌های زبانی‌ای که آنان را مختص زبان زنان می‌داند، گفتار زنان را گفتاری عاری از قدرت و قاطعیت معرفی می‌کند. به نظر لیکاف ویژگی‌های مختص زبان زنان را در تمام سطوح زبانی، از جمله ساختارهای دستوری، کاربرد واژگان و زیربومی گفتار خود نمایان می‌سازد که در اینجا هر یک از این ویژگی‌ها را معرفی خواهیم کرد:

**استفاده از عوامل طفره‌روی<sup>۱۴</sup>:** عواملی هستند که حس عدم قطعیت را بیان می‌کنند. گوینده با استفاده از آن‌ها از اظهار نظر قاطعانه اجتناب می‌کند؛ برای مثال «یه جورایی»، «می‌دونی» و «منظورم اینه که ...».

**استفاده از رنگ‌واژه‌های دقیق:** زنان در به‌کارگیری رنگ‌ها دقیق‌تر هستند و در کلام خود از طیف گسترده‌ای از رنگ‌ها استفاده می‌کنند؛ در حالی که چنین ویژگی‌ای در زبان مردان به‌ندرت مشاهده می‌شود. مثلاً طیف رنگ سبز برای زنان عبارت است از: فسفری، کاهویی، لجنی، زمردی و ... در حالی که مردان همه آن‌ها را سبز می‌نامند.

**استفاده از صفات تهی<sup>۱۵</sup>:** صفات تهی صفاتی هستند که علاوه بر معنای تحت‌اللفظی خود، مفهوم رضایت و تحسین را نیز به مخاطب القا می‌کنند و در کلام زنان نسبت به مردان بیشتر مشاهده می‌شوند. برای مثال: «ملوس»، «بانمک» و ...

**استفاده از صورتهای بسیار مؤدبانه<sup>۱۶</sup>:** زنان در کلام خود نسبت به مردان بسیار بیشتر از صورتهای مؤدبانه استفاده می‌کنند و بیشتر درخواست‌های آنان به‌صورت پرسشی مطرح می‌شود تا بر مخاطب عملی را تحمیل نکرده باشند. مثلاً: «لطفاً اگر برای شما امکان داره ...»، «در صورتی که مزاحم وقتتون نمی‌شم...» و ... (در این پژوهش ویژگی درخواست‌های

غیرمستقیم، زیرمجموعه صورت‌های بسیار مؤدبانه قرار گرفته است).

استفاده از تکیه تأکیدی<sup>۱۷</sup>: لیکاف بر این باور است که زنان برای قوی‌تر کردن بار معنای کلام خود از تکیه تأکیدی در برخی از کلمات در جمله استفاده می‌کنند؛ مانند «خیلی قشنگ بود». استفاده از پرسش‌های ضمیمه<sup>۱۸</sup>: پرسش‌های کوتاهی را که در پایان جملات به کار می‌رود پرسش‌های ضمیمه می‌گویند که بیشتر بیانگر درخواست توجه مثبت و گرفتن تأیید از شنونده است. مثلاً: «این کتاب رو دوست داری دیگه، مگه نه؟»

عدم استفاده از دش‌واژه‌ها<sup>۱۹</sup> و عبارات رکیک: کلمات و عباراتی هستند که در عرف جامعه بد دانسته می‌شوند. مردان معمولاً بیشتر از زنان از این‌گونه عبارات استفاده می‌کنند؛ اما جامعه از زنان انتظار دارد که مؤدبانه صحبت کنند.

استفاده از ادات فاقد معنا یا توصیف‌کننده‌های ضعیف<sup>۲۰</sup>: توصیف‌کننده‌های ضعیف دارای معنای خاصی نیستند و تنها نشان‌دهنده احساس گوینده نسبت به مخاطب یا موقعیت آن‌اش هستند. لیکاف این توصیف‌کننده‌های ضعیف را مانند «طفلکی»، «حیوونکی» و «ای خدای من» مخصوص زبان زنان می‌داند و آن‌ها را در مقابل توصیف‌کننده‌های قوی مانند «لعنتی»، «تف به این زندگی» و ... قرار می‌دهد که مخصوص زبان مردان است.

استفاده از آهنگ خیزان در جملات خبری<sup>۲۱</sup>: به نظر لیکاف، تفاوت محسوسی در آهنگ جملات زنان وجود دارد و آن این است که زنان از آهنگ خیزان جملات پرسشی برای ادای جملات خبری که دارای آهنگ افتان هستند، استفاده می‌کنند. وی این نوع جابه‌جایی را گویای تردید کلام آنان می‌داند. مثال:

-غذا ساعت چند حاضر میشه؟

-حدود ساعت ۸...؟

### ۳-۲. نظریه سازوکار دفاعی فروید

یکی از مهم‌ترین نظریات فروید (1923) این بود که روان انسان یک‌وجهی نیست؛ بلکه متشکل از سه بخش نهاد<sup>۲۲</sup>، خود<sup>۲۳</sup> و فراخود<sup>۲۴</sup> است که در تمامی مراحل زندگی بشر در حال رشد هستند. در واقع، «خود» به‌عنوان عاملی تعدیلگر بین «نهاد» و «فراخود»، با استفاده از سازوکارهای دفاعی، خواسته‌های افراطی «نهاد» را - که دربردارنده رانه‌های جنسی و سلطه‌جویانه است - کنترل

می‌کند؛ طوری که «فراخود» که بخش اخلاقی و وجدانی روان است نیز آن را بپذیرد. سازوکارهای دفاعی واکنش ناخودآگاه روان در موقعیت‌های تنش‌زا و اضطراب‌آور است که سبب کاهش اضطراب می‌شود تا از روان فرد در برابر از هم گسیختن محافظت کند. چنانچه عملکرد سازوکارهای دفاعی مختل شود، «خود» مغلوب خواهد شد و کارایی‌اش را از دست می‌دهد. در نتیجه ساختار روان و شخصیت فرد از هم می‌پاشد. طبق نظر فروید<sup>۲۰</sup> (1936) بیشتر انسان‌ها حداقل پنج سازوکار دفاعی را به‌صورت روزانه به‌کار می‌برند بدون اینکه به هیچ روی از آن آگاه باشند.

**سرکوب یا واپس‌زنی**<sup>۲۶</sup>: سازوکار دفاعی سرکوب با درکی عمیق از یک تنش آغاز خواهد شد و امیال و خواسته‌هایی را که موجب افزایش تنش می‌شوند سرکوب می‌سازد. **جبران**<sup>۲۷</sup>: سازوکاری است که فرد به هنگام احساس کمبود و حقارت از آن استفاده می‌کند. آدلر (1917) احساس حقارت را نیرویی برانگیزنده در رفتار معرفی می‌کند و آن را مختص جنس زن می‌داند؛ زیرا زنان به‌صرف زن بودن جایگاه فرودستی در جامعه دارند. وی از جبران این احساس حقارت به‌صورت نرینه‌نمایی سخن گفته است و هدف از آن را میل به قدرت می‌داند (Schultz & Schultz, 2013).

**بازگشت**<sup>۲۸</sup>: این سازوکار زمانی استفاده می‌شود که فرد نمی‌تواند در شرایطی که قرار دارد با فشارهای روانی مقابله کند. طبق نظر آنا فروید (1936) زمانی که شرایط دشوار می‌شود، ما بیشتر به‌نوعی از رفتار که در دوران کودکی مان داشته‌ایم، رجوع می‌کنیم. به‌ویژه کارهایی را انجام خواهیم داد که کودکان معمولاً برای طفره رفتن از پذیرش مسئولیت انجام می‌دهند. **خیال‌پردازی**<sup>۲۹</sup>: افراد با استفاده از سازوکار دفاعی خیال‌پردازی، به‌جای پذیرش مشکل، آن را نادیده می‌گیرند و دنیایی را برای خود متصور می‌شوند که در آن همه چیز به خوبی پیش می‌رود. یکی از نمودهای این دنیا جاندارانگاری<sup>۳۰</sup> اشیای پیرامونشان است که گاهی بخش بزرگی از خلأ آنان را پر می‌کند.

**همانندسازی**<sup>۳۱</sup>: «کودکان با استفاده از سازوکار همانندسازی با فراگیری صفات پدر و مادر، اطرافیان و همانند کردن خود با آنها، رفته‌رفته در ساختن شخصیت خود گام برمی‌دارند» (گنجی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). همانندسازی در زبان بدین‌گونه است که گاهی افراد بعد از دیدن یک فیلم یا صحبت کردن با دیگران به ناگاه متوجه می‌شوند که طرز صحبت کردن و لحن صدای آنان را در

گفتار خود بازتاب می‌دهند (گوهری‌راد و جوادی، ۱۳۸۴).

گریز<sup>۳۲</sup>: گریز سبب ایجاد یک حس رهایی می‌شود؛ اما وضعیتی که ایجاد می‌کند کوتاه‌مدت است و فرد پس از مدت کوتاهی باز هم با همان عامل استرس مواجه خواهد شد.  
 جابه‌جایی<sup>۳۳</sup>: سازوکار دفاعی جابه‌جایی سبب می‌شود که منبع اضطراب و ناراحتی‌ها به چیز دیگری منتقل شود. با استفاده از این سازوکار «افراد می‌توانند امیال نامعقول خود را به اشخاص یا اشیای گوناگون هدایت کنند، به طوری که تکانه اصلی (میل آنی) تغییر شکل یافته یا پنهان شده باشد» (Feist et al., 2013).

### ۳-۳. نیم‌رخ‌های شخصیت<sup>۳۴</sup>

منظور از نیم‌رخ شخصیت تعدادی و نه تمامی علائم اختلالات شخصیت است که در فرد دیده می‌شود. ممکن است هر فرد دارای چندین نیم‌رخ باشد؛ اما همچنان در شمار افراد سالم و عادی قرار گیرد و گاهی چند نیم‌رخ شخصیت با یکدیگر هم‌پوشانی دارند. طبق طبقه‌بندی موجود در DSM-5 (راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی) زنان بیش از مردان دارای نیم‌رخ‌های شخصیت نمایشی<sup>۳۵</sup>، دوری‌گزين<sup>۳۶</sup> و وابسته<sup>۳۷</sup> هستند و مردان بیش از زنان دارای نیم‌رخ‌های شخصیت خودشیفته و ضداجتماعی هستند (Sadock et al., 2015). در اینجا بنا به ضرورت تنها دو نیم‌رخ شخصیت مطالعه می‌شود:

#### ۳-۳-۱. نیم‌رخ شخصیت نمایشی

افرادی که دارای خصوصیات رفتاری شخصیت نمایشی هستند، معمولاً افرادی بسیار تحریک‌پذیر و هیجانی‌اند و رفتاری پررنگ و لعاب، نمایشی و برون‌گرایانه دارند؛ اما باوجود این رفتار نمی‌توانند دل‌بستگی عمیقی را به مدت طولانی حفظ کنند (Sadock et al., 2015). این رفتار اغراق‌آمیز به دلیل عدم اعتمادبه‌نفسی است که این افراد نسبت به عادی پذیرفته شدن از طرف دیگران و نیاز به جلب‌توجه دیگران دارند.

#### ۳-۳-۲. نیم‌رخ شخصیت دوری‌گزين

افرادی که دارای شخصیت دوری‌گزين هستند نسبت به طرد شدن بسیار حساسند و از اینکه



توجه نشوند، بی‌اندازه سرخورده می‌شوند؛ با این حال تلاشی برای جلب توجه نیز نمی‌کنند. دوست دارند که فراخوانده شوند و نه آنکه کسی را فراخوانند.

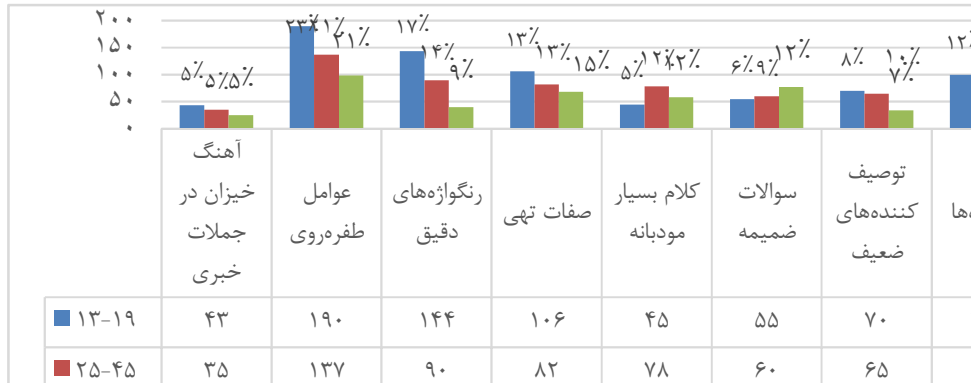
#### ۴. یافته‌ها

##### ۴-۱. تحلیل ویژگی‌های زبان زنان بر اساس رویکرد تسلط لیکاف

طبق جدول ۲ میزان به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی نمایانگر عدم قدرت و قاطعیت کلام در گفتار زنان دارای بسامد بالایی است. به‌طور کلی بسامد هر یک از ویژگی‌های زبانی در گروه سنی نوجوان بیشتر از دو گروه سنی دیگر است.

جدول ۲: ویژگی‌های زبانی زنان طبق رویکرد تسلط لیکاف و بسامد به‌کارگیری آن‌ها به تفکیک گروه سنی  
**Table2:** Women's language features based on Lakoff's dominance approach and frequency of use by age group

درصد	فراوانی				ویژگی‌های زبانی
	مجموع	۵۰ به بالا	۲۵-۴۵	۱۳-۱۹	
۵٪	۱۰۳	۲۵	۳۵	۴۳	آهنگ خیزان در جملات خبری
۲۲٪	۴۲۶	۹۹	۱۳۷	۱۹۰	عوامل ظفره‌روی
۱۴٪	۲۷۴	۴۰	۹۰	۱۴۴	رنگ‌واژه‌های دقیق
۱۳٪	۲۵۶	۶۸	۸۲	۱۰۶	صفات تهی
۹٪	۱۸۱	۵۸	۷۸	۴۵	صورت‌های بسیار مؤدبانه
۹٪	۱۷۲	۵۸	۶۰	۵۵	پرسش‌های ضمیمه
۹٪	۱۶۹	۳۴	۶۵	۷۰	توصیف‌کننده‌های ضعیف
۹٪	۱۸۸	۳۹	۴۹	۱۰۰	دشواری‌ها
۱۰٪	۲۰۱	۵۱	۶۰	۹۰	تکیه تأکیدی
۱۰۰٪	۱۹۷۰	۴۷۱	۶۵۶	۸۴۳	مجموع



نمودار ۱: فراوانی ویژگی‌های زبانی در گفتار سه گروه سنی

Chart1: The frequency of language features in the speech of the three age groups

درصد به‌کارگیری این ویژگی‌ها در زبان زنان مورد مطالعه به تفکیک گروه سنی در نمودار ۱ قابل مشاهده است. با توجه به این نمودار، در تمامی گروه‌ها درصد به‌کارگیری «عوامل طفره‌روی» بیشترین میزان و «آهنگ خیزان در جملات خبری»، کمترین میزان را به خود اختصاص داده است. حال به بحث دربارهٔ بیشترین تا کمترین بسامد به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی در گفتار کل گروه‌ها می‌پردازیم:

#### ۴-۱-۱. «عوامل طفره‌روی» (۲۲ درصد)

«عوامل طفره‌روی» در کل گروه‌های سنی بیشترین کاربرد را داشته است. پرکاربردترین «عوامل طفره‌روی» در مصاحبه‌های صورت گرفته در این پژوهش عبارت‌اند از: «می‌دونی»، «مثلاً»، «بعد» و «خب». فراوانی این ویژگی در گفتار برخی از افراد به‌ویژه در گروه سنی ۱۳-۱۹ سال بسیار بالا بود.

#### ۴-۱-۲. «رنگواژه‌های دقیق» (۱۴ درصد)

همان‌طور که در نمودار ۱ مشهود است فراوانی به‌کارگیری این ویژگی به‌ترتیب از گروه سنی پایین به گروه سنی بالا کاهش یافته است. دلیل این امر در حین مصاحبه برای پژوهشگران روشن شد. زنان در گروه سنی بالا اسامی رنگ‌ها را نمی‌دانستند. توجه به رنگ‌های جزئی را

می‌توان بر اساس نظر کریستوا<sup>۳۸</sup> (1984) در نتیجه نشانه‌ای بودن زبان زنان دانست. در زبان نمادین مردان پرداختن به جزئیات، ضرورتی ندارد. از این رو از رنگ‌واژه‌های دقیق استفاده نمی‌کنند.

#### ۴-۱-۳. «صفات تهی» (۱۳ درصد)

این ویژگی خلاف بیشتر ویژگی‌ها در زبان زنان گروه سنی ۵۰ سال به بالا بیش از دو گروه سنی دیگر است. درصد به‌کارگیری این ویژگی زبانی در گفتار دو گروه سنی ۱۳-۱۹ سال و ۲۵-۴۵ سال مساوی بوده است. پرکاربردترین واژه در زبان زنان گروه سنی نوجوان به‌عنوان صفت تهی واژه «تخس»، در میان گروه سنی اوایل بزرگسالی واژه «ملوس و ناز» و در میان گروه سنی اواخر بزرگسالی واژه «عزیز» است. جنس این واژگان بیانگر تفاوت سه نسل است. به لحاظ معنایی صفات تهی «ملوس و ناز» و «عزیز» همگنی بیشتری با هم دارند تا صفت تهی «تخس» که در گروه سنی نوجوان به‌کار می‌رود و برای آنان برابر معنای «دوست‌داشتنی»، «ملوس» و «باهوش» است. سه واژه «ناز»، «ملوس» و «عزیز» واژه‌هایی مثبت هستند که به معنای مثبت هم به‌کار می‌روند؛ اما واژه «تخس» واژه‌ای منفی است که با بار معنایی مثبت به‌کار برده می‌شود. به عبارت دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که زبان گروه سنی نوجوان دارای گسست زیادی با نسل‌های قبل است و دگرپسیمی‌های بیشتری را پشت سر گذاشته است و مطالعات ویژه‌ای را به لحاظ معنایی، واجی، نحوی و جامعه‌شناسی می‌طلبد.

#### ۴-۱-۴. «تکیه تأکیدی» (۱۰ درصد)

بسامد استفاده از این ویژگی در سه گروه سنی تقریباً مشابه است. گویی این ویژگی یک مشخصه ثابت است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. کودکان به‌طور طبیعی برخی از خصوصیات رفتاری و زبانی والدینشان را تقلید و بازتولید می‌کنند؛ تا جایی که برخی از این خصوصیات در وجود آنها نهادینه می‌شود و ثابت می‌ماند. بر اساس نظریه ناحیه مجاور رشد<sup>۳۹</sup> ویگوتسکی<sup>۴۰</sup> (1978) رفتار والدین نقشی اساسی بر رشد کودکان دارد و مراحل رشد کودک بر اساس امکانات موجود در محیط رشدش شکل می‌گیرد. این نظریه را می‌توان به رفتارهای زبانی تعمیم داد. در میان ویژگی‌های زبانی، عوامل زبرنجیری بیشترین قدرت

تقلیدپذیری را دارند و می‌توان گفت که کودکان لحن گفتار والدین، از جمله زیر و بمی کلام، تکیه‌گذاری و آهنگ کلام را بازتولید و تقلید می‌کنند و این چرخه از کودکی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

#### ۴-۱-۵. «پرسش‌های ضمیمه» (۹ درصد)

استفاده از ویژگی زبانی «پرسش‌های ضمیمه» با پایین آمدن سن کاهش یافته است. با توجه به درصد به‌کارگیری این ویژگی در زبان زنان گروه سنی ۵۰ سال به بالا، به نظر می‌رسد که زنان سن بالا بیشتر نیازمند گرفتن تأیید هستند. این امر می‌تواند دلایل متنوعی، از جمله پایین آمدن اعتماد به نفس، نیاز به گرفتن تأیید و همدلی با دیگران باشد. در میان پرسش‌های ضمیمه کوتاه، پرسش‌های «درست می‌گم؟»، «مگه نه؟» و «اینجوری هست یا نیست؟» بیشترین فراوانی را در گفتار زنان مورد مطالعه در این پژوهش دارند.

#### ۴-۱-۶. «توصیف‌کننده‌های ضعیف» (۹ درصد)

گروه‌های سنی پایین مورد مطالعه در این پژوهش بیشتر از توصیف‌کننده‌های قوی نظیر «لعنتی»، «نف به این شانس» و حتی گاهی کلمات رکیک استفاده می‌کردند. نوجوانان، همان‌گونه که در مبحث دش‌واژه‌ها نیز بدان اشاره خواهد شد، در پی کسب اعتبار و جلب توجه هستند و در جهت نیل به چنین هدفی نیازمند این هستند که خود را قبول داشته باشند. بدین جهت سازوکارهای بسیاری را برای رسیدن به من دلخواه‌شان به‌کار می‌برند؛ از جمله متفاوت بودن کلام که در جلب توجه عامل مهمی محسوب می‌شود.

#### ۴-۱-۷. «دش‌واژه‌ها» (۹ درصد) در برابر «صورت‌های بسیار مؤدبانه» (۹ درصد)

طبق نظر لیکاف (1975)، زنان به‌طور کلی از به‌کارگیری دش‌واژه‌ها و عبارات رکیک اجتناب می‌کنند. پژوهشگر نیز با این پیش‌فرض در ذهن خود با افراد مصاحبه کرد؛ اما نتایج پس از مصاحبه از پیش‌فرض‌های ذهنی وی به‌ویژه در گروه سنی نوجوان دور بود. بر اساس آمار ارائه‌شده فراوانی استفاده از این دو ویژگی در زبان افراد مورد مطالعه در این پژوهش با هم تضاد دارند. برای نمونه، در گفتار گروه سنی ۱۳ - ۱۹ سال، کاربرد دش‌واژه‌ها بیش از دو

گروه سنی دیگر و استفاده از گفتار مؤدبانه در این گروه سنی کمتر از دو گروه سنی دیگر است.

#### ۴-۱-۸ «آهنگ خیزان در جملات خبری» (۵درصد)

طبق جدول ۲ استفاده از آهنگ خیزان در جملات خبری در رده سنی ۱۳ - ۱۹ سال بیش از دو گروه دیگر است. علت این امر به دو مورد مربوط است: از طرفی، هژمونی فرهنگی<sup>۴۱</sup> موجود در فضای شهر که مانند فضای بسیاری از شهرهای دیگر زنان را در سطح فرودستی قرار داده است؛ از طرف دیگر، تفکرات مردسالارانه موجود بیشتر موجب می شود تا زنان به ویژه دختران نوجوان که تازه درگیر تجربیات زندگی می شوند، دست به راز و رزی بزنند و جهت اجتناب از سرزنش، تنبیه و محروم ماندن از برخی مسائل مورد علاقه شان از سوی خانواده، فرایند مخفی سازی را پیشه کنند. از این رو، در پاسخ به پرسش هایی که جنبه تفتیش دارند؛ از جمله «کجا میروی؟» و «کی برمیگردی؟»، بیشتر رویکردی را پیش می گیرند که هم پاسخ داده باشند و هم پاسخشان را قطعی نکرده باشند که بعداً بازخواست نشوند. استفاده از آهنگ خیزان در جملات خبری یکی از این راهکارهای موجود است. پژوهشگران از مصاحبه شوندهگان گروه سنی نوجوان خواستند که به پرسش «چه ساعتی خونه ای؟» در برابر پدرشان پاسخ دهند. بیش از سه چهارم از پاسخ ها دارای آهنگ خیزان بودند. نگارندگان این نظر را دارند که حساسیت های خانواده ها نسبت به زنان با افزایش سن آنها رفته رفته کاهش می یابد. بنابراین، به تناسب بالاتر رفتن سن میزان به کارگیری این مشخصه کاهش پیدا می کند.

#### ۴-۲. ویژگی های کشف شده از سوی نگارندگان در گفتار زنان فارسی زبان (گونه کرمانشاهی)

نگارندگان علاوه بر ویژگی های موجود در رویکرد تسلط لیکاف (1975)، به ویژگی های تازه ای در گفتار زنان فارسی زبان کرمانشاهی دست یافته اند که در این بخش به معرفی و بررسی کمی این ویژگی ها می پردازند:

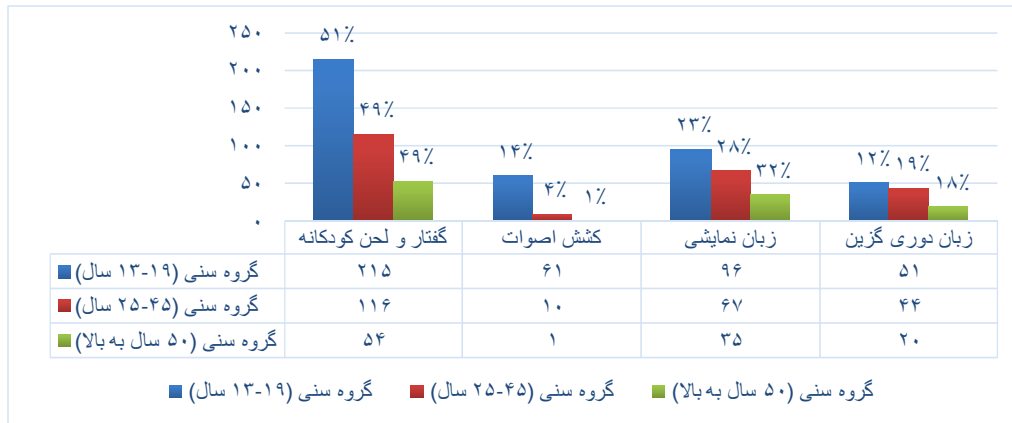
جدول ۳: ویژگی‌های زبانی اکتشافی از سوی نگارندگان در زبان زنان مورد مطالعه و بسامد آن‌ها به تفکیک گروه سنی

Table 3: The language features disclosed by writers in the language of women and their frequency by age group

درصد	فراوانی				ویژگی‌های زبانی
	مجموع	۵۰ به بالا	۲۵ - ۴۵	۱۳ - ۱۹	
۵۰٪	۳۸۵	۵۴	۱۱۶	۲۱۵	گفتار و لحن کودکانه
۹٪	۷۲	۱	۱۰	۶۱	کشش اصوات
۲۶	۱۹۸	۳۵	۶۷	۹۶	زبان نمایشی
۱۵	۱۱۵	۲۰	۴۴	۵۱	زبان دوری‌گزین
-	-	-	-	-	جاندارانگاری*
۱۰۰	۷۷۰	۱۱۰	۲۳۷	۴۲۳	مجموع

\*فراوانی ویژگی «جاندارانگاری» در جدول و نمودارهای این پژوهش را نمی‌توان محاسبه کرد؛ زیرا آن را تنها به نسبت تعداد افراد می‌توان محاسبه کرد و این پژوهش تعداد به‌کارگیری ویژگی‌های زبانی را در زبان افراد و نه تعداد افراد ارزیابی می‌کند.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده شد، نگارندگان پنج ویژگی زبانی را در گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه‌کرمانشاهی) کشف و استخراج کرده‌اند. با نگاهی به جدول ۳ مشاهده می‌شود که ویژگی «گفتار و لحن کودکانه» بیشترین بسامد و ویژگی «کشش اصوات» کمترین بسامد را دارد.



نمودار ۲: فراوانی ویژگی‌های زبانی در گفتار سه گروه سنی

Chart2: The frequency of language features in the speech of three age groups

با توجه به نمودار ۲ درصد استفاده از این ویژگی‌های زبانی در گروه‌های سنی مختلف متفاوت است و بیشترین اختلاف مربوط به دو گروه سنی ۱۳ - ۱۹ سال و ۵۰ سال به بالا است. اکنون به معرفی ویژگی‌های زبانی جدول ۳ و سپس نتایج حاصل از آزمون مربع خی می‌پردازیم:

#### ۴-۲-۱. گفتار و لحن کودکانه (۵۰ درصد)

این ویژگی به‌گونه‌ای در زبان زنان رایج شده است که نگارندگان را به تفکر در مورد چرایی وقوع این نوع گفتار در زبان زنان واداشت. در گفتار کودکان، به‌علت دشواری در فراگویی برخی از واج‌ها، برای سهولت گفتار جابه‌جایی واج‌ها رخ می‌دهد. از مشخصه‌های زبان کودکان می‌توان به این مورد اشاره کرد که معمولاً واج /l/ را جایگزین واج /r/ می‌کنند مثلاً به جای «می‌خوام برم بیرون» می‌گویند «می‌خوام بلم بیلون». این پدیده، به‌صورت طبیعی در روند زبان‌آموزی کودکان رخ می‌دهد؛ اما استفاده عمدی از چنین مواردی در زبان بزرگسالان نه‌تنها طبیعی نیست؛ بلکه بیانگر نکاتی روان‌شناسانه و زبان‌شناسانه است و می‌توان آن را از جمله موارد عدم قاطعیت گفتار دانست. به نظر نگارندگان این ویژگی زبانی یکی از مهم‌ترین و بارزترین ویژگی‌هایی است که در زبان زنان ایرانی خود را نشان داده است و عامه مردم نیز از این موضوع آگاهند؛ طوری

که در کلیپ‌های طنز نیز به آن پرداخته شده است. این مشخصه زبانی در هر سه گروه سنی زنان مورد مطالعه دیده شد؛ اما به کارگیری آن در گروه سنی بالا نسبت به دو گروه سنی دیگر، بسامد پایین‌تری دارد.

#### ۴-۲-۲. کشش اصوات (۹ درصد)

نگارندگان متوجه شدند که برخی از زنان اصوات را کشیده‌تر از حد عادی آن بیان می‌کنند که به نظر آنان این ویژگی زبانی برای جلب توجه است و شاید زنان با استفاده از این ویژگی تصور می‌کنند که وجهه بهتری می‌یابند. همان‌طور که در جدول ۳ دیدیم، کشش اصوات در میان زنان گروه سنی ۵۰ سال به بالا بسیار اندک و در میان گروه سنی ۲۵ - ۴۵ سال به ندرت مشاهده می‌شد؛ اما این ویژگی خاص گروه سنی ۱۳ - ۱۹ سال به‌شمار می‌آید. نکته مهم در به‌کار بردن این ویژگی آن است که معمولاً در زبان کسانی نمود بارز داشت که به زبان فارسی معیار صحبت می‌کردند و نه فارسی گونه کرمانشاهی. به کارگیری یک زبان همواره با عناصر غیرکلامی همراه است؛ از قبیل زبان بدن، آهنگ کلام و ... پژوهشگران در هنگام مصاحبه شاهد عناصر غیرکلامی و زبرزنجیری گونه معیار در گفتار مصاحبه شونده‌گان بودند. حرکات دست، چشم و طرز بیان کلمات همگی جنبه‌ای اغراق‌آمیز داشتند که گویی می‌خواهند توجه مخاطب را بیشتر جلب کنند. زمانی که پس از اتمام مصاحبه از آنان پرسیده شد که چرا به زبان فارسی گونه کرمانشاهی صحبت نمی‌کنند، بسیاری از آنان این گونه زبان فارسی را حساب به حساب نمی‌آوردند و آن را زبانی نامناسب می‌دانستند. در خلال مکالمات، پژوهشگر، شاهد جملاتی در توجیه استفاده نکردن از زبان فارسی گونه کرمانشاهی از مصاحبه‌شونده‌گان بود. جملاتی از قبیل: «من با همچی زبونی حرف بزنم؟ نـــــــه، عمراًااااا»، «وقتی می‌شنوم یه دختر اینطوری حرف می‌زنـــــــه، حس خوبی ندارم، فکر می‌کنم بیسوادهههه» و ... (حروفی که در دیالوگ‌های بالا به صورت کشیده یا مکرر نوشته شده‌اند نمایانگر کشش اصوات هستند).

#### ۴-۲-۳. زبان نمایشی<sup>۴۲</sup> (۲۶ درصد)

به نظر نگارندگان گفتار زنان دارای برخی ویژگی‌هاست که بسیار شبیه به رفتار کسانی است که در روان‌شناسی به آن‌ها شخصیت نمایشی و شخصیت دوری‌گزین گفته می‌شود. از این رو، آنان



اسامی ویژگی‌هایی را که در گفتار زنان یافته بودند، بر اساس اسامی مذکور نام‌گذاری کردند. ویژگی زبان نمایشی در گفتار زنان، یکی از ویژگی‌های شایع است که معمولاً هر فردی در زندگی شخصی را با چنین ویژگی رفتاری و گفتاری می‌شناسد و یا حداقل برای یکبار با چنین افرادی برخورد کرده است. در این رابطه، پژوهشگران گفتار زنان مورد مطالعه را با یک پرسش به محک آزمون نهادند و از افراد خواستند که خوانندهٔ محبوبشان را نام ببرند و احساس خود را دربارهٔ وی بیان کنند. پاسخ‌های زنان مورد مطالعه و زبان بدن آن‌ها به گونه‌ای بود که گویی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین پرسش زندگی‌شان را پاسخ می‌دهند؛ به‌ویژه از کلمات و جملاتی استفاده می‌کردند که همخوانی بسیاری با زبان بدنشان داشت که از جمله می‌توان به «وای عشق منه»، «آخ آخ من عاشقشم»، «اگه یه شب آهنگاشو نشنوم، می‌میرم» و «همهٔ زندگی منه» اشاره کرد. پاسخ‌ها نسبت به پرسش بسیار اغراق‌آمیز و هیجانی می‌نمایند. این افراد مشخصات دیگری بر اساس مشخصات ذکرشده در DSM-5 داشتند؛ مثلاً در مصاحبه بسیار همکاری خوبی نشان می‌دادند، طوری که مصاحبه‌شونده احساس می‌کرد مدت‌هاست این افراد را می‌شناسد. از دیگر مشخصه‌های این افراد لغزش‌های زبانی بر اثر هیجان در اتمام کلام خود بود. میزان به‌کارگیری این امر در گروه سنی ۵۰ سال به بالا کمتر از دو گروه سنی دیگر بود.

#### ۴-۲-۴. زبان دوری‌گزین<sup>۳۳</sup> (۱۵ درصد)

زبان دوری‌گزین بیش از هر یک از ویژگی‌های کشف‌شده از سوی نگارندگان با رویکرد تسلط لیکاف (1975) همخوانی دارد؛ زیرا زبان دوری‌گزین علاوه بر ویژگی‌های خاص خود، دو یا چند ویژگی زبانی رویکرد تسلط لیکاف (1975)، از جمله «عوامل طفره‌روی» را در بر می‌گیرد. نگارندگان برای اطمینان از وجود یا عدم وجود نشانه‌های زبانی نیم‌رخ دوری‌گزین در گفتار زنان مورد مطالعه با طرح پرسشی از آن‌ها خواستند تصور کنند که گروهی از دوستانشان برنامهٔ رفتن به جایی را دارند و آنان نیز بسیار دوست دارند که در جمع دوستانشان حاضر شوند، آیا مستقیماً پیشنهاد می‌دهند که با آن‌ها همراه خواهند شد یا به‌طور غیرمستقیم خود را به جمع آنان دعوت می‌کنند؟ سپس از آن‌ها خواسته شد که در هر یک از دو صورت جملاتشان را بیان کنند. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از وجود نشانه‌های زبانی بود که با علائم مشخص نیم‌رخ شخصیت دوری‌گزین همخوانی دارد. آنان در حین مصاحبه با خندیدن‌های بی‌مورد سعی در پنهان کردن عدم

اعتماد به نفسشان می‌کردند. در پاسخ به پرسش‌ها به گونه‌ای که در زبان‌شان نیز آشکار بود به دلیل ترس از اشتباه کردن و یا مسخره شدن از سوی دیگران دائم از خود مقاومت نشان می‌دادند. نمود زبانی آشکار در گفتار آنان استفاده زیاد از «عوامل طفره‌روی» و کلماتی بود که بیانگر تردید و عدم اعتماد به نفس است که از جمله می‌توان به عباراتی نظیر: «چی بگم آخه»، «شاید»، «ممکنه» و «آخه...» اشاره کرد. برخی از آنان جواب پرسش‌ها را به تعویق می‌انداختند و از جملاتی همچون «اول از شراره بپرس» استفاده می‌کردند که بیانگر علاقه آنان به دوری گزیدن از تصمیم‌گیری و تابع نظر دیگران بودن است. این ویژگی زبانی در گروه سنی ۲۵ - ۴۵ سال بیشتر مشاهده شد.

#### ۴-۲-۵. جاندارانگاری

جاندارانگاری از نخستین پندارهای آدمی بوده است. این حالت روحی بر اثر مطالعات جدید درباره تفکر کودکان و اقوام ابتدایی روشن شده است و عبارت از برون‌فکنی،<sup>۴۴</sup> خواهش‌ها، ترس‌ها و نسبت دادن نیروهای نهانی به موجودات و اشیای عالم محیط بر آدمی است (مولر، ۱۹۷۶: ۷). با وجود اینکه این ویژگی همچون ویژگی «گفتار و لحن کودکان»، متعلق به دوران کودکی است و با ورود به مرحله نوجوانی باید از بین برود؛ اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد جاندارانگاری به گونه‌ای در زبان زنان بالغ هنوز به حیات خود ادامه می‌دهد. درصد بالایی از زنان به اشیا جان بخشیده بودند و در بیشتر موارد این اشیا به یک نوع سنگ صبور برای شنیدن درد دل‌هایی تبدیل شده بود که آن‌ها نمی‌توانستند با کسی در میان بگذارند. برخی از زنان دارای دوستانی خیالی بودند که نام‌های کودکانه‌ای همچون «فندق»، «گابی» و «کوجی» برایشان گذاشته بودند.

#### ۴-۳. نتایج آزمون مربع خی

اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد که سطح معناداری تمامی ویژگی‌های گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) بر اساس متغیر سن به غیر از دو ویژگی «آهنگ خیزان در جملات خبری» و «پرسش‌های ضمیمه» کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ است؛ در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد قرار می‌گیرند و می‌توان ادعا کرد که تفاوت معناداری در کاربرد این ویژگی‌های زبانی میان زنان سه گروه سنی مورد مطالعه وجود دارد. از این رو، این ویژگی‌ها به گروه‌های بزرگ‌تر و مشابه با گروه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر قابل تعمیم است.

جدول ۴: نتایج آزمون مربع خی

Table 4: Chi square test results

ویژگی‌های زبانی	مقادیر مربع خی	درجه آزادی	سطح معناداری
آهنگ خیزان در جملات خبری	۴/۷۳۸	۲	۰/۰۹۴
عوامل طفره‌روی	۲۹/۴۲۳	۲	۰/۰۰۰
رنگ‌واژه‌های دقیق	۵۹/۲۴۱	۲	۰/۰۰۰
صفات تهی	۲۱/۵۹۳	۲	۰/۰۰۰
صورت‌های بسیار مؤدبانه	۹/۱۶۰	۲	۰/۰۱۰
پرسش‌های ضمیمه	۳/۸۷۵	۲	۰/۱۴۴
توصیف کننده‌های ضعیف	۱۳/۵۰۳	۲	۰/۰۰۱
دشواری‌ها	۱۹/۵۷۶	۲	۰/۰۰۰
تکیه تأکیدی	۱۲/۴۴۸	۲	۰/۰۰۲
گفتار و لحن کودکانه	۱۰۲/۷۶۹	۲	۰/۰۰۰
کشش اصوات	۸۷/۲۵۰	۲	۰/۰۰۰
زبان نمایشی	۲۱۲/۲۸	۲	۰/۰۰۰
زبان دوری‌گزین	۱۳/۷۹۱	۲	۰/۰۰۱

## ۵. بحث

پژوهش حاضر قصد دارد جهت تبیین ویژگی‌های زبان زنان مورد مطالعه در این پژوهش بر اساس رویکرد لیکاف از نظریه سازوکارهای دفاعی فروید (1936) بهره جوید تا به چرایی وجود این ویژگی‌ها در زبان زنان دست یابد.

**سازوکار دفاعی سرکوب:** پژوهشگران حین مصاحبه متوجه شدند که بسیاری از زنان به‌ویژه در گروه سنی نوجوان و اوایل بزرگسالی از زبان فارسی گونه معیار استفاده می‌کنند. بر اساس نظر بسیاری از محققان زبان‌شناسی استفاده از زبان معیار در گفتار زنان به هدف بالا بردن وجهه و کسب منزلت اجتماعی است. گویی آنان می‌خواهند با تقلید و استفاده از زبان طبقات اجتماعی ممتازتر، خود را در زمره این طبقات جای دهند. به همین دلیل با استفاده از سازوکار دفاعی سرکوب، زبان طبقه اجتماعی خود را که به نوعی باعث احساس ناخوشایند در آنان است،

نادیده می‌گیرند و تمام سعی‌شان را برای استفاده از زبان طبقه بالاتر به‌کار می‌برند. **سازوکار دفاعی جبران:** برخی از ویژگی‌های زبانی، از جمله ویژگی‌هایی که حاکی از عدم اعتماد به نفس، قدرت و قاطعیت کافی هستند مانند «تکیه تأکیدی»، «کشش اصوات»، «صورت‌های بسیار مؤدبانه» و «گفتار و لحن کودکانه» را می‌توان از سوی سازوکار دفاعی جبران تبیین کرد. زنان اعتماد به نفس، قدرت و قاطعیت کافی در زندگی نداشته‌اند؛ لذا این دسته از نیازهایشان در زبانشان متبلور می‌شود و سبب به‌وجود آمدن ویژگی‌های مذکور در زبان آنان شده است. تمامی این موارد بازتابی از سازوکار دفاعی جبران است.

**سازوکارهای دفاعی بازگشت، گریز و جابه‌جایی:** ویژگی «گفتار و لحن کودکانه» به‌صورت هم‌زمان بازتاب‌دهنده سه سازوکار دفاعی بازگشت، گریز و جابه‌جایی است. استفاده از این ویژگی زمانی به اوج خود می‌رسد که فرد بر اثر احساسات مختلف، از جمله ترس، عدم اعتماد به نفس و استیصال در پاسخ‌گویی تصور می‌کند که باید از شرایط موجود بگریزد و یا آن را با چیزی دیگر جایگزین کند. پژوهشگران متوجه شدند افراد در سه موقعیت کلیدی، از جمله جلب توجه و خودشیرینی، برآورده شدن خواسته‌ها به‌ویژه خواسته‌های غیرضروری و نادیده گرفته شدن خطاهایشان، از این نوع گفتار یا بسامد بالاتری نسبت به موقعیت‌های عادی استفاده می‌کنند. برای مثال، زنان در تمامی گروه‌های سنی از این نوع گفتار به این شرح استفاده می‌کنند: گروه سنی نوجوان در هنگام تقاضا از خانواده‌هایشان برای سفر و یا مهمانی با گروه دوستان و خرید وسایل غیرضروری، زنان گروه سنی اوایل بزرگسالی بیشتر در هنگام صحبت کردن با همسرشان برای برآوردن خواسته‌ای، نادیده گرفته شدن خطایی و برای خود شیرینی و زنان گروه سنی اواخر بزرگسالی، در هنگام مکالمه با نوه‌هایشان و در جمع دوستان برای نشان دادن روحیه جوانانه. ویژگی «گفتار و لحن کودکانه» کلام را در سطح آوایی، واجی، واژگانی و گاهاً نحوی تغییر می‌دهد. این ویژگی بیانگر پیچیدگی‌های زیادی در شخصیت افراد است. به‌نظر نگارندگان، بازتاب سازوکار دفاعی بازگشت در استفاده از «گفتار و لحن کودکانه» حاکی از عدم اعتماد به نفس، احساس خودکم‌بینی در برابر مخاطب، به تأخیر انداختن مشکلات و مشمول زمان کردن آن‌هاست. هر کدام از این دلایل ریشه‌های عمیقی در ساختار شخصیت افراد دارد که سبب ایجاد سدی در برابر تغییر ساختار شخصیت، کسب قدرت و منزلت لازم و کافی برای فرد می‌شود.

«عوامل طفره‌روی» ویژگی دیگری است که بازتاب‌دهنده سازوکارهای دفاعی گریز و جابه‌جایی است. وقتی فرد در هنگام سخن گفتن مدام از «عوامل طفره‌روی» استفاده می‌کند، در واقع به‌گونه‌ای از سخن گفتن و اظهارنظر کردن طفره می‌رود و برای جبران این ناتوانی در گفتار به استفاده از عواملی روی می‌آورد که بتواند برای تداوم سخن خود زمان بخرد. این نوع استفاده از کلام، نوعی گریز و جابه‌جایی محسوب می‌شود.

**سازوکار دفاعی همانندسازی:** مؤلفه‌های زبانی همچون «صفات تهی» و «توصیف‌کننده‌های ضعیف» بازتاب‌دهنده سازوکار دفاعی همانندسازی است. این سازوکار با زبان نمایشی همپوشانی زیادی دارد. شخص هنگام استفاده از سازوکار دفاعی همانندسازی، درگیر ویژگی‌های رفتاری و گفتاری شخص دیگری خواهد شد و با شدت بیشتری آن‌ها را در رفتار و گفتار خود منعکس می‌کند؛ برای مثال، برای نشان دادن همدردی عمیق و صمیمانه خود با دیگران از ویژگی‌های «توصیف‌کننده‌های ضعیف» و «صفات تهی» به گونه‌ای غلوآمیز استفاده می‌کنند. مثلاً در واکنش به این جمله «احساس سرماخوردگی دارم» جملاتی از این قبیل گفته می‌شد: «آخی، الهی بيمرم برات» و «طفلک بیچاره من». در کنار این ویژگی‌های زبانی، پژوهشگران متوجه تطابق زبان افراد در مجاورت یکدیگر نیز شدند. برخی زنان به تبعیت از برخی دیگر از زنان لهجه‌شان تغییر می‌کرد.

**سازوکار دفاعی خیال‌پردازی:** ویژگی «جاندارانگاری» آخرین ویژگی مورد بحث است که بازتاب‌دهنده دو سازوکار دفاعی خیال‌پردازی و به نوعی بازگشت است. این ویژگی در میان زنان بسیار رایج است؛ زنان بیشتر با اشیایی از قبیل عروسک و تلفن همراه، ساعت مچی، گلدان گل، ماشین شخصی و گردنبند قدیمی در ارتباطند.

## ۶. نتیجه

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، بسیاری از ویژگی‌های زبانی زنان را می‌توان با مطالعه ناخودآگاهی آنان تبیین کرد. ویژگی‌هایی که لیکاف وجودشان را در زبان زنان، بیانگر زبان ضعیف و عاری از قدرت می‌داند، در واقع نتیجه چالشی بین خودآگاه و ناخودآگاهی زنان برای حفظ سلامت روانشان در برابر منشأهای استرس، خودکم‌بینی، استیصال، ترس و در نتیجه گریز از موقعیت‌هایی است که آنان را مضطرب می‌کند. به عبارت دیگر، زنان برای گریز از وضعیت موجود خود در جامعه (که وضعیتی فرودست است) و کسب منزلت اجتماعی و جایگاهی بالاتر

تلاش می‌کنند؛ اما این تلاش‌ها به دلایل گوناگون تاریخی، اجتماعی و فرهنگی چنان که باید به کسب نتایج چشمگیر منجر نمی‌شود. اینجاست که نمودی از این تعارض در زبان آنان برای جبران نداشته‌هایشان ظهور و بروز می‌یابد و موجب به‌وجود آمدن ویژگی‌هایی در زبان زنان می‌شود که زبان آنان را زبانی ضعیف و با ویژگی عدم قدرت و قاطعیت معرفی می‌کند. نتایج نشان دادند که تمامی ویژگی‌های زبانی مطرح‌شده از سوی لیکاف (1975) با نوساناتی اندک در بسامد به‌کارگیری، در گفتار زنان مورد مطالعه در این پژوهش موجود است. جدول ۲ نمایانگر وجود ویژگی‌های کشف‌شده از سوی نگارندگان در گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) است؛ اما اگر بخواهیم به میزان همخوانی این ویژگی‌ها با رویکرد لیکاف اشاره کنیم، باید بگوییم که در گفتار زنان مورد مطالعه در این پژوهش، تنها دو ویژگی «آهنگ خیزان در جملات خبری» و «پرسش‌های ضمیمه» در میان مؤلفه‌های رویکرد لیکاف قابلیت تعمیم‌پذیری به جامعه بزرگ‌تر و مشابه با جامعه پژوهش را نداشتند. بنابراین، نگارندگان آن دو ویژگی زبانی را در زمره ویژگی‌های گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) قرار نمی‌دهند. جدول ۵ نمایانگر ویژگی‌هایی است که این پژوهش آن‌ها را جزء ویژگی‌های زبانی زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی) می‌داند:

جدول ۵: ویژگی‌های گفتار زنان فارسی‌زبان (گونه کرمانشاهی)

Table 5: Speech characteristics of the Persian-speaking women of Kermanshah

ویژگی‌های موجود در رویکرد لیکاف	ویژگی‌های کشف‌شده از سوی نگارندگان
عوامل طفره‌روی	گفتار و لحن کودکانه
رنگ‌واژه‌های دقیق	کشش اصوات
صفات تهی	زبان نمایشی
صورت‌های بسیار مؤدبانه	زبان دوری‌گزین
توصیف‌کننده‌های ضعیف	جاندارانگاری
دش‌واژه‌ها	
تکیه تأکیدی	
گفتار همدلانه	

پس از پاسخ به پرسش نخست پژوهش، حال نوبت به پاسخ پرسش دوم می‌رسد. نتایج نشان

دادند که از لحاظ بسامد استفاده از این ویژگی‌ها، تفاوت معناداری بین سه گروه سنی مورد مطالعه وجود دارد و با بالا رفتن سن فراوانی این ویژگی‌ها در زبان زنان کاهش می‌یابد.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

1. R. Lakoff
2. dominance approach
3. defense mechanism
4. S. Freud
5. inter-rater reliability
6. B. Erickson
7. C. L. Berryman
8. J. R. Wilcox
9. A. White
10. E. Longobardi
11. B. Johnson
12. W. O'Barr
13. language and woman's place
14. hedges
15. empty adjectives
16. super polite forms
17. emphatic stress
18. taq-question
19. expletive
20. weak qualifier
21. rising intonation
22. Id
23. ego
24. superego
25. A. Freud
26. repression
27. compensation
28. regression
29. fantasy
30. animism
31. identification
32. escape
33. displacement
34. personality profile
35. histrionic
36. avoidant
37. dependent
38. J. Kristeva
39. zone of proximal (or potential) development
40. L. S. Vygotsky
41. cultural hegemony
42. histrionic language
43. avoidant language
44. Extrajection

## ۸. منابع

- حاتمی، حدیث (۱۳۹۵). *بررسی قاطعیت در گفتار زنان و مردان کردزبان در اسلام‌آباد غرب بر اساس رویکرد تسلط لیکاف*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- زیگموند، فروید (۱۳۹۲). *مکانیزم‌های دفاع روانی*. ترجمه حبیب گوهری راد و محمد جوادی. تهران: رادمهر.
- کریم خانلویی، گیتی و همکاران (۱۳۹۱). «رابطه جنسیت و قطع گفتار: بررسی جامعه-شناختی زبان». *جستارهای زبانی*. د ۳. ش ۴ (پیاپی ۱۲). صص ۱۳۵ - ۱۴۷.
- گنجی، حمزه (۱۳۹۴). *روان‌شناسی عمومی*. تهران: ساوالان.
- گنجی، مهدی. (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی روانی بر اساس DSM-5* (ویراست سوم). تهران: ساوالان
- محمودی بختیاری، بهروز و مریم دهقانی (۱۳۹۲). «رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی: بررسی شش رمان». *زن در فرهنگ و هنر*. ش ۴. صص ۵۴۳ - ۵۵۶.
- مولر، فرنان لوسین (۱۳۶۸). *تاریخ روان‌شناسی*. ترجمه علی محمد کاردان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- یعقوبی، هما (۱۳۸۷). *تأثیر جنسیت بر شیوه بیان تقاضا در زبان فارسی*. تهران: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام‌نور.

## References

- Berryman, C. L. & J. R. Wilcox (1980). "Attitudes Toward Male and Female Speech: Experiments on the Effects of Sex-Typical Language". *Western Journal of Speech Communication*. 44. Pp. 50-59.
- Erickson, B.; E. Lind; B. Johnson & W.O'Barr (1987). "Speech Style and Impression Formation in a Court Setting: The Effects of "Powerful" and "Powerless" Speech". *Journal of Experimental Social Psychology*. 14.Pp: 266-279.



- Feist, J.; G. Feist & T. A. Roberts (2013). *Theories of Personality* (8<sup>th</sup> ed.). London: McGraw-Hill Higher Education.
- Freud, A. (1936). *Ego and the Mechanisms of Defence* (Revised edition: 1966 ed.). New York: International Universities Press.
- Freud, S. (1901). *The Psychopathology of Everyday Life*. (A. A. Brill, Trans.) New York: The Macmillan Company (1914).
- Ganji, H. (2015). *General Psychology*. Tehran: Savalan. [In Persian]
- Ganji, M. (2016). *Abnormal Psychological Pathology Based on DSM-5 (Third Edition)*. Tehran: Savalan. [In Persian]
- Hatami, H. (2017). *The Study of Certainty in Kurdish Women and Men's Speech in Eslam Abad-E Gharb Based on Lakoff's Dominance Approach*. Master thesis in general Linguistics. Razi University. Kermanshah. [In Persian]
- Hudson, R. A. (1980). *Sociolinguistics*. Cambridge : Cambridge University Press.
- Kord Zafaranlu, A. & N. Momeni (2010). "Specifying power in Language with Introduction of New Signs of Power". *International Journal of Humanities*. 17.Pp: 47-65.
- Kristeva, J. (1984). *Revolution in Poetic Language (La Révolution Du Langage Poétique (1974))*. (M. Waller, Trans.) New York: Columbia University Press.
- Lakoff, R. (1973). "Language and Woman's place" (Vol. 2). *Language in Society*.
- ----- (1975). "Language and Woman's Place". New York: *Harper & Row*.
- ----- (2004). *Language and Woman's Place, Text and Commentaries*. Oxford: Oxford University Press.
- Longobardi, E.; P. Spataro & A. Frigerio (2016). *Gender Differences in The Relationship Between Language and Social Competence in Preschool Children*. *Infant Behavior and Development*. Pp: 43, 1-4.

- Mahmoodi-Bakhtiari, B. & M. Deghani (2014). *The relationship of language and gender in the contemporary Persian novels: A study of six works*. Woman in Culture and Art Journal, No. 4.Pp: 543-556.
- Mueller, F. L. (1989). *Histoire de la Psychologie*. (Ali Mohammad Kardan, Translator) Tehran: Academic Publishing Center. [In Persian]
- Sadock, B. J.; V. A. Sadock & R. Pedro (2015). *Kaplan and Sadock's Synopsis of Psychiatry: Behavioral Science/Clinical Psychiatry* (Eleventh ed.). LWW.
- Schultz, D. P. & S. E. Schultz, (2013), *Theories of Personality* (10<sup>th</sup> ed.). Wadsworth Publishing.
- Sigmund F. (2013). *Defense Mechanisms*. (Habib Gohari Rad, & Mohammad Javadi, Translators) Tehran: Radmehr. [In Persian]
- Vygotsky, L. S. (1978). "Interaction between Learning and Development". (M. Cole, V. J. Steiner, S. Scribner, E. Souber, Eds., & M. Lopez-Morillas, Trans.) *Mind in Society: The Development of Higher Psychological processes*.Pp:79-91.
- White, A. (2003). *Women's Usage of Specific Linguistic Functions in the Context and Casual Conversation: Analysis and Discussion*. England: University of Brimingham: Unpublishe Master Thesis.
- Yaghoubi, H. (2009). *Gender and request expressions in Persian.*: Master thesis in Linguistics. Payam Noor University. Tehran. [In Persian]